اطلاعات به مثابه علم

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۳/۲۹

مهدی میرمحمدی*

چکیده

نوشتار حاضر به دنبال بررسی ایده «علمی‌بودن یا امکان مطالعه علمی اطلاعات» است. نویسنده در پاسخ به پرسش پژوهش، با طرح دو فرضیه تشابه روش‌شناختی اطلاعات و علم و هم‌سانی هستی‌شناختی این دو، مدعی علمی‌بودن فرایند تولید شناخت اطلاعاتی و همچنین، اشتراک ویژگی‌های هستی‌شناختی شناخت علمی و شناخت اطلاعاتی است. نویسنده در پایان مقاله بر آن است که علمی‌بودن یا نبودن اطلاعات، بدون توجه دانشگاهیان به آن در پژوهش‌های خود، همچنان در حد ادعا باقی خواهد ماند و ورود اطلاعات به موضوعات پژوهشی دانشگاهی است که علمی‌بودن آن را تضمین خواهد کرد.

کلیدواژه‌ها: اطلاعات، علم، روش پژوهش، چرخه اطلاعات، عینیت، بی‌طرفی علمی، استقلال اطلاعاتی، پیش‌بینی

---

* دانش‌آموخته دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران

www.SID.ir
Archive of SID

مقدمه

صد سال پیش گفتگو درباره اطلاعات در محافل دانشگاهی موضوعی متعارف به شمار نمی‌آمد و چه بسا برخی حتی آن را به دور از ادب می‌دانستند، اما تحولات قرن بیستم زمینه‌ای را فراهم آورد که قرن بیست‌ویکم شاهد تبلور اطلاعات به عنوان موضوع جدی در پژوهش‌های دانشگاهی است. این زمینه بیشتر ریشه در تنش‌های امپریالیستی اروپا در اواخر قرن نوزدهم و سرعت بالای تحولات فن‌آورانه، به ویژه در زمینه تسلیحات دارد که منجر به توجه جدی به جمع‌آوری نظام‌مند اطلاعات توسط حکومت‌ها در زمان صلح شد. نتیجه این توجه، ظهور سرویس‌های اطلاعاتی مدرن بود که به نوبه خود توجه عمومی به این پدیده را افزایش داد و منجر به بروز تب جاسوسی در میان شهروندان و افکار عمومی گشت (French, 1978). با این وجود، سال‌ها طول کشید تا مطالعه اطلاعات به طور جدی در دستور کار نهادهای دانشگاهی قرار بگیرد.

مجموعه‌ای از رویدادهای مربوط به اطلاعات در اواسط دهه ۱۹۷۰، درب نهادهای دانشگاهی غربی را به روی اطلاعات گشود. این رویدادها شامل افشای پروژه سری آلترا[1] در بریتانیا، افشای سوءاستفاده سازمان سیا از قدرت اطلاعاتی خود در امور داخلی آمریکا و ناکامی سرویس‌های اطلاعاتی غربی (به ویژه آمریکا) در پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران و پیامدهای آن برای منافع غرب بود (Wark, 1993; Rudner, 2009; Goodman, 2006). این رویدادها برای اولین بار جوامع دانشگاهی غرب را متوجه غیبت اطلاعات در موضوعات مطالعاتی دانشگاهی نمودند و انگیزه‌های اولیه برای شروع برنامه‌های پژوهشی در این خصوص را ایجاد کردند. تحت تأثیر این رویدادها، دهه هشتاد میلادی شاهد حرکت آرام نهادهای دانشگاهی غربی برای در آغوش کشیدن اطلاعات به عنوان موضوع مطالعاتی بود: انجمن‌های علمی در زمینه اطلاعات پای به عرصه گذاردند، نشریه‌های علمی اطلاعاتی در دو سوی اطلس به انتشار درآمدند، ناشران دانشگاهی دست به انتشار برخی کتاب‌ها در زمینه

---

۱. آلترا نام رمز عملیات رمزشکنی ارتباطات آلمانی ها توسط متفقین در جنگ جهانی دوم است (بنگرید به: میرمحمدی، ۱۳۹۰الف).

www.SID.ir

اطلاعات زدند، دروس مرتبط با اطلاعات و سازمان‌های اطلاعاتی به سرفصل‌های برخی رشته‌های مربوط به کشورداری افزوده شد (بنگرید به: میرمحمدی، ۱۳۹۰ ب) و مهمتر از همه، جوانه‌های شکل‌گیری جامعه معرفتی متشکل از پژوهش‌گرانی که خود را متخصص مطالعات اطلاعاتی می‌دانستند، در محافل دانشگاهی شکوفا شد. برخی از نویسندگان، این پدیده را «انقلاب در مطالعات اطلاعاتی» می‌نامند (Wark,1993) که نتیجه آن افزوده‌شدن «اطلاعات» به موضوعات مطالعه دانشگاهی در غرب بوده است. این پدیده در اواخر قرن بیستم تحت تأثیر فروپاشی شوروی و آشکارشدن برخی از ابعاد اطلاعاتی جنگ سرد و در اوایل قرن بیست‌ویکم با وقوع «حوادث یازده سپتامبر» و به دنبال آن، «تهاجم به عراق» و نقش اطلاعات در آنها، هرچه بیشتر در معرض نقد و نظر افکار عمومی و دانشگاهی قرار گرفت، به گونه‌ای که امروزه می‌توان با قاطعیت ادعا کرد اطلاعات بخش مهمی از برنامه آموزشی و پژوهشی در مطالعات سیاسی و بین‌المللی دانشگاهی در غرب است[۱].

با این وجود، در جامعه دانشگاهی ایران افزودن اطلاعات به هستی‌شناسی مطالعات دانشگاهی هنوز محقق نشده است. اگر چه رویدادهایی مانند انقلاب اسلامی ایران و به دنبال آن، آشکارشدن برخی مسائل و موضوعات از کارکردهای ساواک[۲]، مشکلات امنیتی دهه اول انقلاب، جنگ تحمیلی هشت‌ساله با عراق، قتل‌های زنجیره‌ای، اقدامات ضد اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنان در دهه ۸۰ خورشیدی و اکران برخی فیلم‌ها در موضوع اطلاعات (مانند به رنگ ارغوان و قلاده‌های طلا)، در طول سه دهه گذشته، اطلاعات

---

۱. در حال حاضر، برخی مراکز علمی که مطالعات اطلاعاتی را در دروس خود گنجانده‌اند، عبارتند از: دانشگاه جورج واشنگتن، دانشگاه ییل، دانشگاه جورجیا، دانشگاه جورج تاون (در آمریکا)، دانشگاه برانل، دانشگاه سالفورد، دانشگاه کیمبریج، کینگز کالج لندن، دانشگاه ایبرثویث (در بریتانیا)، دانشگاه کارلتون، دانشگاه تورنتو، دانشگاه یورک (در کانادا)، دانشگاه شیلی در سانتیاگو، دانشگاه آمستردام در هلند، دانشگاه کارلوس سوم در مادرید، دانشگاه بارایلان، دانشگاه تل آویو و دانشگاه حیفا در اسرائیل و...(Rudner, 2009: endnots 14-17; Swenson, 2003)

۲. سازمان اطلاعات و امنیت کشور که به اختصار ساواک نامیده می‌شود، در زمان رژیم پهلوی به عنوان اولین نهاد اطلاعاتی مدرن درایران تأسیس شد.

www.SID.ir

را به موضوعی برای پچ‌پچ‌ها، انتقادها و هرازگاهی گفتمان‌های عمومی تبدیل کرده است، اما جامعه دانشگاهی ایران هنوز گامی جدی برای افزودن آن به هستی‌شناسی مطالعاتی خود برنداشته و شاید بتوان گفت هنوز آمادگی نظری برای جذب اطلاعات در درون گفتمان دانشگاهی ایران وجود ندارد.

در کنار عوامل و متغیرهای مختلفی که ممکن است مانع ورود یک پدیده به گفتمان دانشگاهی در ایران یا هر کشور دیگر باشند، یکی از موضوعاتی که نقشی تعیین‌کننده در توجه دانشگاهی به یک پدیده دارد، علمی‌بودن آن است. در واقع، به نظر می‌رسد اولین شرط جامعه دانشگاهی برای پذیرش یک پدیده به عنوان موضوع مطالعاتی، پاسخ مثبت به این پرسش است که «آیا آن پدیده علمی است؟ یا می‌توان آن را به روش علمی مطالعه کرد؟». بنابراین، مشخص است که اگر قرار باشد «اطلاعات» به هستی‌شناسی مطالعات دانشگاهی اضافه گردد، ابتدا باید به این پرسش پاسخ گفت که «آیا اطلاعات علم است؟ یا می توان آن را به روش علمی مطالعه کرد؟». پاسخ به این سؤال گام مهمی برای از بین بردن مهمترین مانع برای ورود اطلاعات به گفتمان دانشگاهی است. دو فرضیه در پاسخ به این پرسش ارائه شده است که عبارتند از:

۱. اطلاعات به عنوان نوع خاصی از شناخت که از روش علمی به دست می‌آید، علم است. این فرضیه را می‌توان با عنوان «تشابه روش‌شناختی علم و اطلاعات» نامید.

۲. چون ابتنای بر مشاهده، عینیت، رها از ارزش بودن و پیش‌بینی به عنوان شاخص‌های محتوایی علم، بخشی از ویژگی‌های اساسی اطلاعات هستند، می‌توان آن را علمی دانست. این فرضیه را نیز می‌توان با عنوان «تشابه محتوایی یا هستی‌شناختی میان علم و اطلاعات» نامید.

پاسخ به پرسش این مقاله در آغاز نیازمند تعریف «علم» و «اطلاعات» است. در ادامه با توجه به فرضیه‌های مطرح‌شده، نویسنده به ترتیب به بررسی فرایند تولید «اطلاعات» و مقایسه آن با روش پژوهش علمی می‌پردازد و سپس، فرضیه دوم را بررسی می‌کند. بخش سوم، تفاوت‌های علم و اطلاعات را با مقایسه نهادهای دانشگاهی و سازمان‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد و بخش پایانی، به نتیجه‌گیری می‌پردازد.

Archive of SID

www.SID.ir

الف. علم چیست؟

منظور از علم، مطالعات منظم و عینی پدیده‌های تجربی و شناخت انباشتی حاصل از آن است. علم مجموعه‌ای از احکام و دانسته‌ها درباره پدیده‌های قابل مشاهده است که درستی آنها در گرو تأیید یا رد سازگاری آنها با واقعیت به روش‌های تجربی است (افتخاری، ۱۳۸۷؛ سروش، ۱۳۶۱: ۱۲). به عبارت دیگر، مراد از علم، مطالعه جهان عینی و قابل ادراک حسی به روش علمی است. طبق این تعریف، مشخص است که انسجام علم (به عنوان شکلی از شناخت)، مبتنی بر روش‌شناسی آن است نه موضوع مطالعاتی آن. در واقع، مطالعات علمی بر اساس روش انجام آن که موسوم به روش پژوهش علمی است، از سایر انواع مطالعات متمایز می‌شوند (بنگرید به: پوپر، ۱۳۷۰: ۷۱؛ خنیفر و علی شیری، بهار ۱۳۹۰؛ حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۰۱). این روش شامل دو رویکرد استقرایی و قیاسی است که در هر دو صورت مبتنی بر مشاهده عینی (به معنی مشاهده پدیده‌ها به همان صورت که واقعاً هستند) پدیده‌های مورد مطالعه است (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۵۹۳–۵۹۶؛ حافظنیا، ۱۳۸٤: ۳۹–٤۰؛ ساروخانی، ۱۳۸۵: ۱۷). گام بنیادی در روند دستیابی به دانش علمی در هر دو رویکرد استقرایی و قیاسی، مشاهده است و تنها دانشی را می‌توان علمی نامید که در آن مشاهده وجود داشته باشد. از این رو، می‌توان گفت زیربنای ساختمان دانش علمی مشاهده است. هدف علم نیز تبیین، پیش‌بینی و کنترل پدیده‌های تجربی مورد مطالعه برای حل مشکلات و مسائل بشری از طریق ارائه نظریه‌های جدید (یافتن قوانین حاکم بر آنها) و یا ارزیابی نظریه‌های موجود است (حافظنیا،۱۳۸٤: ۱۷–۱۸؛ پوپر، ۱۳۷٤: ۲۱۵).

ب. اطلاعات چیست؟

اطلاعات جمع‌آوری و پردازش پنهان عناصر آگاهی‌بخش در مورد پدیده‌های داخلی و خارجی (مورد نظر سیاست‌گذاران) توسط نهادهای اطلاعاتی است که هدف آن کمک به سیاست‌گذاری (طراحی و اجرای سیاست‌ها) است (Random, 1993). هدف از فعالیت اطلاعاتی و سازمان‌های اطلاعاتی، تولید شناخت[1] از پدیده‌های پنهان‌شده و شناخت پیشینی[1]

1. Knowledge

www.SID.ir

از پدیده‌های آتی است. در واقع، اطلاعات نوع ویژه‌ای از شناخت است که برای خردگرایی تصمیم‌ها و موفقیت مأموریت‌ها ضرورتی حیاتی به شمار می‌آید (Waltz, 2003: xiii,1). با دسترسی به شناخت اطلاعاتی در مورد هر پدیده‌ای، مشاهده‌گر امکان توصیف، تبیین و پیش‌بینی آن پدیده را به دست می‌آورد (میرمحمدی، ۱۳۹۰الف: ۲۷).

ج. روش علمی و فرایند تولید اطلاعات: تشابه روش‌شناختی

فرضیه اول مقاله در مورد علمی‌دانستن شناخت اطلاعاتی، مدعی هم‌سانی فرایند پژوهش علمی و فرایند تولید شناخت اطلاعاتی است. شرمان کنت هم، که از اولین تحلیل‌گران سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا بود، معتقد به شباهت میان فرایند تولید اطلاعات و روش علمی در نوع علوم اجتماعی آن است. از نظر او، پژوهش تنها فرایندی است که قادر است به ما حقیقت یا چیزی نزدیک به حقیقت را نشان دهد و روش دستیابی به آن در علوم اجتماعی وجود دارد (Kent, 1966: 155). در این بخش، برای آنکه شباهت روش‌شناختی میان علم و اطلاعات را نشان دهیم، ابتدا به طور خلاصه به بررسی فرایند تولید شناخت اطلاعاتی (چرخه اطلاعات[2]) می‌پردازیم و سپس آن را با فرایند پژوهش علمی مقایسه می‌کنیم.

چرخه اطلاعات به عنوان فرایندی که طی آن اخبار و داده‌ها گردآوری شده و تبدیل به شناخت اطلاعاتی می‌شوند تا به مشتری آن تحویل گردند، شامل این مراحل است: (۱) طراحی و هدایت، (۲) جمع‌آوری، (۳) پردازش و تحلیل (بررسی اطلاعات) و (٤) توزیع (Samuels, 2006: 358; Watson, Watson, Hopple, 1990: 302-303;Polmar and Allen, 1997: 283).

مرحله طراحی و هدایت، در واقع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مأموریت‌های نهاد اطلاعاتی است که طی آن، دستور کار عملیاتی اطلاعات مشخص می‌شود. سیاست‌گذاری اطلاعاتی مبتنی بر نیازمندی‌ها و تقاضاهای سیاست‌گذاران ملی انجام می‌شود. منظور از نیازمندی‌های اطلاعاتی، هر موضوعی است که سیاست‌گذاران، به منظور سیاست‌گذاری مطلوب، نیازمند آگاهی از آن بوده و امکان آگاهی معتبر از آن توسط سایر کانال‌ها وجود ندارد. نیازمندی‌های اطلاعاتی، در

1. foreknowledge
2. Intelligence Cycle

www.SID.ir

واقع آنچه را که باید توسط مشاهده‌گران مورد مشاهده قرار بگیرد، مشخص می‌کند. مرحله جمع‌آوری، مشاهده سوژه‌های مطالعاتی و گردآوری عناصر آگاهی‌بخش درباره موضوع مطالعاتی است. پردازش و تحلیل نیز به دنبال روایی‌سنجی و اعتبارسنجی داده‌ها و خلق معنا از درون داده‌های گردآوری‌شده و تولید شناخت اطلاعاتی است. آخرین مرحله نیز شامل انتشار محصولات اطلاعاتی (شناخت اطلاعاتی) در قالب‌های مختلف و ارسال آن به مشتریان است.

چرخه فوق، شباهت بسیار زیادی با فرایند پژوهش علمی دارد. روش‌شناسی علمی بر دو رویکرد استقرا و قیاس استوار است. در رویکرد استقرایی، پژوهشگر با مشاهده جزییات و نمونه‌هایی از موضوع مورد مطالعه، تلاش می‌کند به شناخت عام درباره سوژه مطالعاتی دست یابد. در این رویکرد، حتی سؤال یا مسأله نیز برآمده از مشاهدات استقرایی و تجربیات است. در رویکرد استقرایی، نظریات و شناخت علمی از مشاهده واقعیات جزیی و تعمیم‌یافته به کل حاصل می‌شود، اما در رویکرد قیاسی، مشاهده‌گر ابتدا بر اساس یک مسئله، فرضیه یا چارچوب فکری در مورد واقعیت بیرونی می‌سازد، سپس فرضیه یا چارچوب فکری خود را در بوته آزمون با واقعیت بیرونی قرار می‌دهد. البته، هر کدام از این رویکردها، دارای نقص‌هایی در شناخت درست واقعیت بیرونی‌اند. از این رو، بسیاری از دانشمندان با ترکیبی از این دو رویکرد که آن را مدل استقرایی- فرضی- قیاسی می‌نامند، موافقند (افتخاری، ۱۳۸۷). به طور کلی، پژوهش علمی شامل این مراحل است: (۱) بیان مسأله، (۲) فرضیه‌سازی، (۳) گردآوری داده‌ها، (٤)تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها و(٥) گزارش نتایج پژوهش (حافظ‌نیا، ۱۳۸٤: ٤۸-٤۹؛ سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۹؛ کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۷).

فعالیت اطلاعاتی نیز از لحاظ روشی، ترکیبی از استقرایی و قیاسی است و با مدل استقرایی- فرضی- قیاسی در روش علمی تطبیق دارد. شناخت اطلاعاتی درباره هر موضوع، محصول جمع‌آوری اطلاعات و کنار هم قراردادن و ترکیب داده‌ها و فاکت‌های جدا از هم برای ارائه تصویر یا نظریه از واقعیت است (Fry and Hochstein, 1993). در عین حال، در بیشتر مواقع، مشاهده‌گران اطلاعاتی قبل از آنکه به جمع‌آوری اطلاعات درباره هر پدیده بپردازند، چارچوب یا چارچوب‌های ذهنی را نسبت به پدیده در نظر گرفته و بعد از گردآوری اطلاعات، به ارزیابی اعتبار چارچوب‌های فکری خود می‌پردازند.

Archive of SID

www.SID.ir

همانطور که پژوهش علمی از یک سؤال شروع می‌شود، تلاش برای تولید شناخت اطلاعاتی نیز مبتنی بر مسائلی است که سیاست‌گذاران کشور در قالب نیازمندی‌های اطلاعاتی به نهاد اطلاعاتی ارسال می‌کنند. به عبارت دیگر، دستور کار اطلاعات، بر اساس مسائل و پرسش‌های سیاست‌گذاران تعیین می‌شود. همانند گام دوم در پژوهش علمی که مبتنی بر ارائه یک یا چند حدس هوشمندانه در پاسخ به مسئله است که در ادبیات پژوهشی آن را فرضیه می‌نامند، در فرایند تولید شناخت اطلاعاتی نیز افسران اطلاعاتی پس از مواجه‌شدن با مسئله، فرضیه‌هایی را طراحی می‌کنند. افسران اطلاعاتی در گام سوم، همانند روش پژوهش علمی، به گردآوری داده‌ها می‌پردازند. هدف از این کار، آزمون فرضیه‌ها توسط واقعیت‌های بیرونی است. گام چهارم در چرخه اطلاعات، مانند پژوهش علمی، اختصاص به تجزیه و تحلیل داده‌ها دارد تا بدین وسیله، الگوها و قانون‌مندی‌های موجود را شناسایی و فرضیه‌های طرح‌شده را بر اساس آن به آزمون بکشد. پس از مشخص‌شدن اعتبار نسبی فرضیه‌های مطرح‌شده و شناسایی الگوی حاکم بر پدیده مورد مطالعه، آخرین گام در تولید شناخت اطلاعاتی، همانند روش علمی، تهیه گزارشی از نتایج کار و ارائه آن به مشتریان است. جدول زیر مراحل روش علمی و چرخه اطلاعات را مقایسه می‌کند.

جدول (۱) مقایسه روش علمی و چرخه اطلاعات

روش علمی	چرخه اطلاعات
مسأله‌های مشاهده‌گر	مسأله‌های سیاست‌گذاران
فرضیه‌سازی	فرضیه‌سازی در قالب ارائه چارچوب‌های فکری یا تفسیرهایی درباره پدیده‌ها
گردآوری داده و منابع	جمع‌آوری اطلاعات
تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها	بررسی و آزمون فرضیه‌ها
انتشار گزارش پژوهش در قالب مقالات، کتب و...	تهیه محصولات اطلاعاتی و توزیع آن به سیاست‌گذاران

Archive of SID

www.SID.ir

آغاز فرایند تولید شناخت اطلاعاتی درباره هر پدیده به دو شکل است: یا آن پدیده توسط سیاست‌گذاران و در قالب نیازمندی‌های اطلاعاتی در دستور کار اطلاعات قرار می‌گیرد (قیاسی) و یا با ورود «خبر» در مورد پدیده (استقرایی)، در روند تولید شناخت قرار می‌گیرد. منظور از خبر، هر چیز آگاهی‌بخشی است که انسان را نسبت به پدیده آگاه و هشیار می‌کند. موضوعات مطالعاتی در سازمان‌های اطلاعاتی، یا از طریق نیازمندی‌های سیاستگذاران (قیاسی) و یا از طریق خبر و مشاهدات افسران اطلاعاتی (استقرایی)، وارد دستور کار سازمان می‌گردند. اخبار ورودی به سازمان اطلاعاتی، ریشه در حواس بشری دارند، یعنی کسی که خبر را وارد سازمان اطلاعاتی می‌کند، حتما آن را با استفاده از ابزارهای حسی خود به دست آورده است. کسب خبر (جمع‌آوری) نیز یا به روش مشاهده مستقیم و یا مشاهده غیرمستقیم انجام می‌شود.

اولین تأثیر عملی خبر در درون سازمان اطلاعاتی، شکل‌دادن به مسأله در ذهن مشاهده‌گران اطلاعاتی است. برای مثال، این خبر که «خانواده‌های نظامیان مستقر در شهرهای مرزی کشور همسایه با کشور خودی، طی یک ماه اخیر، به رغم ادامه خدمت افسران، در حال ترک منزل و انتقال به پایتخت هستند»، پس از رسیدن به مشاهده‌گر اطلاعاتی، بلافاصله این سؤال را در ذهن او ایجاد می‌کند که دلیل این اقدام هماهنگ چیست؟ افسر اطلاعاتی در پاسخ به این پرسش، بر اساس تجربیات قبلی خود یا دیگران، حدس یا حدس‌های احتمالی در ذهن خود ایجاد می‌کند. در ادامه کار، افسر اطلاعاتی برای تعیین میزان اعتبار حدس احتمالی خود در مورد مسأله مورد نظر، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات با هدف آزمون حدس یا حدس‌های خود می‌نماید. نتیجه این عمل، تأیید یا رد حدس احتمالی است. سپس، شناخت معتبر تولیدشده را برای اطلاع سیاست‌گذارن و سلسه‌مراتب گزارش می‌کند.

روایت فوق نشان می‌دهد چگونه مشاهده واقعیت‌های منفک و جدا از هم (در مثال فوق انتقال خانواده‌های نظامیان)، به شیوه‌ای استقرایی یک موضوع را در درون دستور کار اطلاعات قرار می‌دهد. با این حال، مسأله ایجادشده، چه توسط سیاست‌گذاران باشد و چه ناشی از مشاهدات استقرایی افسران اطلاعاتی، به شیوه‌ای فرضی- قیاسی یا فرضی- استقرایی، با ساخت فرضیه‌هایی در مورد موضوع در فرایند تولید شناخت قرار می‌گیرد. بنابراین، افسران اطلاعاتی نیز همانند پژوهش‌گران علمی، همواره در حال ساخت فرضیه و آزمون آن هستند.

Archive of SID

www.SID.ir

د. ویژگی‌های علم و شاخص‌های اطلاعات: تشابه هستی‌شناسانه

بخش قبلی مقاله تلاش کرد با نشان‌دادن تشابه روش‌شناختی میان فعالیت اطلاعاتی و فعالیت علمی، اطلاعات را شناختی برآمده از پژوهش علمی معرفی کند. از این رو، می‌توان فعالیت اطلاعاتی را به نوعی پژوهش اطلاعاتی بر مبنای روش علمی دانست (بنگرید به: Valk, 2005: 49-78) فرضیه دوم این مقاله به دنبال بررسی امکان علمی بودن اطلاعات (به عنوان محصول فعالیت اطلاعاتی) با مقایسه ویژگی‌های علم و ویژگی‌های اطلاعات است. مقصود از علمی‌بودن در این جا، تطابق با روش‌ها و ملاک‌های محتوایی علم تجربی است. امکان علمی‌بودن در حوزه دانش سیاسی که اطلاعات نیز بخشی از آن به شمار می‌آید (بنگرید به: میرمحمدی ۱۳۹۰ ب)، به قبول یا رد اصول رفتارگرایی باز می‌گردد. کسانی که اصل عینیت و یگانگی روش‌های علوم را می‌پذیرند، به امکان علمی‌بودن در حوزه دانش سیاسی رأی می‌دهند (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۰۲). از سوی دیگر، اگر اطلاعات را علم تلقی کنیم، امکان تبیین و پیش‌بینی (به عنوان معیارهای سودمندی دانش) تا حد زیادی در آن وجود خواهد داشت. برای تعیین اینکه اطلاعات از لحاظ محتوایی نیز شبیه علوم تجربی است، ابتدا باید ویژگی‌های علوم طبیعی را مورد اشاره قرار دهیم و سپس، به بررسی این نکته بپردازیم که آیا این ویژگی‌ها در شناخت اطلاعاتی نیز وجود دارند یا نه؟ چون رویکردهای مختلف معرفت شناسانه در بیان ویژگی‌های علم تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند، در این نوشتار سعی شده است ترکیبی از ویژگی‌های علم در رویکردهای مختلف مورد نظر قرار بگیرد. بدین ترتیب، ویژگی‌های علم شامل موارد زیر است (چرنوف، ۱۳۹۰: ۱۷۳؛ حقیقت، ۱۳۸۵: ۱٤٤-۱۵۱، ۱٦۲-۱۷۱؛ فولادی‌مهر، ۱۳۹۰: ۲۱-۲۲، ۳۵-٤۰):

۱. ابتنای بر مشاهدات حسی.
۲. پدیده‌های این جهان مبتنی بر الگوی منظمی از رفتار هستند (قانون‌مندی).
۳. نظریه‌های علمی متضمن تبیین‌های علت و معلولی هستند.
٤. عینیت.
۵. تفکیک واقعیت از ارزش.
٦. نظریه‌ها می‌توانند پیش‌بینی‌های قابل اعتماد (نه لزوما خطاناپذیر) ارائه کنند.

Archive of SID

www.SID.ir

۷. آزمون‌پذیری (تکرارپذیری) به عنوان ملاک معناداری گزاره‌های علمی است.

با توجه به آنکه این ویژگی‌ها بـه شـدت در هـم تنیـده‌انـد، بـه نظـر مـی‌رسـد بررسـی ویژگی‌های محتوایی شناخت علمی شامل هسـتی‌شناسـی، عینیـت، رهـا از ارزش بـودن و پیش‌بینی، به طور طبیعی سایر ویژگی‌ها را نیز در برخواهد گرفت.

۱-۱. هستی‌شناسی علمی و رفتارگرایی اطلاعاتی

علم مبتنی بر مشاهده حسی است و حواس انسان، به طور کلی و البته نـه بـه طـور کامـل، قابل اعتمادند. ابتنای علم بر مشاهدات (اصالت تجربه) در نظر اثبات‌گرایان منطقـی بـه مفهـوم تقدم مشاهده بر نظریه است و از نظر ابطال‌گرایان به معنی نقش گزاره‌های مشاهدتی در آزمون فرضیه و نظریه است. این ویژگی از سوی دیگر به این معنی است کـه تنهـا پدیـده‌هـای قابـل مشاهده (مستقیم یا غیرمستقیم) قابلیـت مطالعـه علمـی را دارنـد. بـدین ترتیـب، بایـد گفـت موضوعات مطالعاتی یا هستی‌شناسی علم، مادی است. حال باید دید هستی‌شناسـی اطلاعـاتی چیست؟ و چه چیزهایی موضوع فعالیت اطلاعاتی یا به عبارت دیگر، پژوهش اطلاعـاتی قـرار می‌گیرند؟ اگر قرار است شباهت هستی‌شناختی میان علـم و اطلاعـات (بـه عنـوان دو نـوع از شناخت) برقرار باشد، لزوماً باید هستی‌شناسی اطلاعاتی نیز مبتنی بر مشاهده حسی باشد.

«علم» به عنوان نوعی از شناخت، محصول مشاهده پدیده‌هایی است که پـژوهش‌گـران بـه شکل مستقیم یا با استفاده از ابزارهای واسـط، قـادر بـه مشـاهده آنهـا و سـپس آزمـون نتـایج مشاهدتی با واقعیت بیرونی همان پدیده‌ها بوده‌اند. از نظر طرفداران نگرش علمـی، ایـن رونـد هم در علوم طبیعی و هم در علوم انسانی و اجتماعی یکسـان اسـت (بنگریـد بـه: منـوچهری، ۱۳۸۷؛ ساندرز، ۱۳۸۸). اطلاعات شناختی است که از مطالعه پدیـده‌هـای انسـانی و اجتمـاعی تولید می‌شود. موضوع فعالیت‌های اطلاعاتی همانند پژوهش علمی در علـوم اجتمـاعی، تولیـد آگاهی و دانش از پدیده‌های ناشی از فرد یا گروه انسانی است. اطلاعات همانند علم، مبتنی بر مشاهده پدیده‌های انسانی است. شناخت اطلاعاتی محصـول مشـاهده مسـتقیم یـا غیرمسـتقیم پدیده‌های فردی و گروهی، تهیه گـزارش از نتـایج مشـاهده و سـپس، ارزیـابی آن بـر اسـاس واقعیت بیرونی پدیده‌های مورد مطالعه است.

Archive of SID

www.SID.ir

البته، ممکن است برخی منتقدان با اشاره به تفاوت ماهوی پدیده‌های طبیعی و انسانی، شباهت هستی‌شناختی میان علم و اطلاعات را زیر سؤال ببرند. این انتقاد ریشه در نقد گسترده‌تری دارد که معتقد به تفاوت موضوع مطالعاتی در علوم دقیقه و علوم اجتماعی است. موضوع مطالعه علوم دقیقه مانند فیزیک یا شیمی، طبیعت بی‌روح است (هستی‌شناسی مادی)، اما موضوع مطالعاتی علوم اجتماعی (که اطلاعات نیز بخشی از آن به شمار می‌رود)، انسان دارای قدرت تفکر است (که نشان‌دهنده غیرمادی بودن آن است). چنین به نظر می‌رسد که این انتقاد، مانعی مهم بر سر راه فرضیه «شباهت هستی‌شناختی اطلاعات و علم» است. ضمن پذیرفتن این نقد، تلاش می‌کنم با توجه به کنش‌های صادره از موضوعات مطالعاتی در علم و اطلاعات، آن را تضعیف کنم.

از پدیده‌های مادی تنها یک نوع کنش سر می‌زند و آن کنش مادی است. هدف علم نیز شناخت کنش‌های مادی (توصیف، تبیین و پیش‌بینی) است و در واقع، ابتنای علم بر مشاهده، ریشه در مادی‌بودن کنش در پدیده‌های طبیعی دارد. با این وجود، دانشمندان نمی‌توانند ادعا کنند تمام کنش‌های مادی طبیعت را مشاهده می‌کنند. بسیاری از این کنش‌ها، به رغم مادی‌بودن، امکان مشاهده نداشته‌اند و اساساً پیشرفت علم به علت توسعه قابلیت مشاهده کنش‌هایی است که به رغم مادی‌بودن و قابل مشاهده بودن، در گذشته امکان مشاهده آنها وجود نداشت.

از انسان به عنوان موضوع مطالعات اطلاعاتی، بر خلاف پدیده‌های طبیعی، هم‌زمان چهار نوع کنش سر می‌زند که شامل کنش‌های پنداری، کرداری، گفتاری و نوشتاری است. منظور از کنش پنداری، تفکر انسانی است که ریشه و علت اصلی سایر کنش‌های انسان به شمار می‌رود. اعتبار استدلال در خصوص عدم تشابه هستی‌شناختی اطلاعات و علم نیز ریشه درهمین کنش پنداری دارد. اگرچه کنش پنداری قابل مشاهده نیست، اما چون برای «بودن» و «وجودداشتن» در قالب یکی از کنش‌های سه‌گانه کرداری، گفتاری و نوشتاری رخ می‌نماید، می‌توان با واسطه و به شکل غیرمستقیم آن را مشاهده کرد. شناخت نیات و پندارهای انسانی، هدف اصلی علوم اجتماعی است. در عین حال، غیرقابل مشاهده بودن این کنش‌ها، اساساً قرارگرفتن آن در هستی‌شناسی علمی را زیر سؤال برده است. با این وجود، مشاهده‌ناپذیری کنش‌های پنداری، تولید شناخت از

Archive of SID

www.SID.ir

انسان را متوقف نکرده است، چرا که بخش اعظم کنش‌های انسانی قابل مشاهده‌اند و دانشمندان می‌توانند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با مشاهده رفتار، گفتار و نوشتار انسان، به تولید شناخت درباره پدیده‌های انسانی بپردازند. ضمن آنکه، شناخت کنش‌های سه‌گانه مشاهده‌پذیر انسانی، به نوبه خود راهی برای شناخت غیرمستقیم کنش‌های پنداری نیز به شمار می‌آید. بدین ترتیب، مشخص است که موضوع مطالعاتی در علوم اجتماعی و مطالعات اطلاعاتی، اگر چه تفاوت قابل توجهی با موضوع مطالعاتی علوم دقیقه دارد، اما همچنان مادی و قابل مشاهده بوده و شناخت تولیدشده در آن نیز مبتنی بر مشاهده است.

با این حال، هنوز یک نکته نیاز به توضیح دارد و آن تفاوت میان شناخت تولیدشده در پژوهش‌های اطلاعاتی با شناخت تولیدشده در سایر پژوهش‌های اجتماعی است. نشان‌دادن تفاوت میان علوم اجتماعی و مطالعات اطلاعاتی (یا بهتر است بگوییم ویژگی مطالعات اطلاعاتی به عنوان یکی از زیررشته‌های علوم اجتماعی)، نیازمند توجه به تقسیم‌بندی دیگر از کنش‌های انسانی است. انسان به دلیل توان‌مندی در صدور کنش‌های پنداری، ممکن است برخی کنش‌های مشاهده‌پذیر خود را به دلایل گوناگون از دید دیگران پنهان کند و یا کنش‌های مشاهده‌پذیر تظاهری از خود صادر کند. علوم اجتماعی و دانشمندان آن، معمولاً در پی تولید شناخت از کنش‌های ظاهری و آشکار افرادند و در واقع، تنها قادر به مشاهده کنش‌های آشکار انسان‌اند. واضح است که شناخت مبتنی بر کنش‌های آشکار، بر اساس مشاهده بخشی از کنش‌های انسانی است و کنش‌های پنهان نگه داشته‌شده را در فرایند تولید شناخت دخالت نمی‌دهد. از این رو، چنین شناختی، حتی اگر کنش‌های آشکار مشاهده‌شده تظاهری نباشند، شناختی ناقص است و اگر کنش‌های آشکار را هم تظاهری فرض کنیم، باید آن را شناختی تحریف‌شده بنامیم. از این رو، مطالعات اطلاعاتی آن بخش از علوم اجتماعی است که به دنبال مطالعه کنش‌های پنهان انسانی در کنار کنش‌های آشکار و تولید شناختی جامع از پدیده‌های انسانی است. به عبارت دیگر، می‌توان گفت هر پدیده انسانی دارای دو بعد آشکار و پنهان است. تمامی رشته‌هایی که امروزه به طور عام از آنها به علوم اجتماعی یاد می‌شود، به بعد آشکار پدیده‌های انسانی می‌پردازند و در این میان، مطالعات اطلاعاتی تنها رشته‌ای است که موضوع مطالعاتی خود را بعد پنهان این پدیده‌ها قرارداده است.

Archive of SID

www.SID.ir

بدین ترتیب، مشخص می‌شود که شناخت اطلاعاتی نیز همانند شناخت علمی، مبتنی بر مشاهده و مطالعه پدیده‌های قابل مشاهده است. از این رو، می‌توان ادعا کرد که میان اطلاعات و علم، تشابه هستی‌شناختی برقرار است.

۲. عینیت و شناخت اطلاعاتی

از عینیت به عنوان یکی از مهمترین ویژگی‌های محتوایی علم که راین آن را قلب علم به شمار می‌آورد (راین، ۱۳۷۰: ٢٦٥)، سه برداشت اساسی وجود دارد. عینیت یعنی آنکه واقعیت «به خودی خود» و مستقل از ذهن موجود است و این واقعیت به همان شکل که هست، قابل فهم است (فی، ۱۳۸۳ : ۲۸۷؛ انوری، ۱۳۸۱: ٥١٣٥). این بدان معنی است که واقعیت «عینی» در خارج از ذهن ما و در دنیایی مشاهده‌شدنی وجود دارد که منتظر است توسط تحلیلی علمی کشف شود. هنگامی که گفته می‌شود پژوهش علمی عینی است، یعنی رفتار یا پدیده مورد مشاهده محققان چه تحت مشاهده باشد و چه نباشد، به همان صورت اتفاق می‌افتد. به دیگر سخن، مشاهده تغییری در رفتار ایجاد نمی‌کند. از این رو، محققان مختلف مشاهدات یکسانی از رویداد واحد خواهند داشت و امر مورد مشاهده به ویژگی‌های شخصی، مذهب، ملیت یا ایدئولوژی مشاهده‌گر وابسته نیست. دومین برداشت از عینیت در اصطلاح «رها از ارزش بودن» منعکس می‌شود. چون واقعیت عینی از طریق پاک‌کردن اندیشه از عناصر ذهنی تحریف‌کننده به دست می‌آید، عینیت را می‌توان به عنوان شناختی خالی از تمایلات و قضاوت‌های ارزشی تعریف کرد (فی، ۱۳۸۳ : ۲۸۹). به عبارت دیگر، عینیت مستلزم بی‌طرفی است. مطلوب از علم آن است که شرحی منسجم و بی‌طرف از امور به دست دهد. در برداشت سوم، عینیت گزاره‌های علمی در این است که آزمودنشان برای همگان میسر باشد و به عبارت دیگر، تکرارپذیر و برای همگان تجربه‌پذیر باشند (پوپر، ۱۳۷۰: ٦٠-٦١).

البته، برخی منتقدان بر این باورند که عینیت به آن صورتی که در علوم دقیقه وجود دارد، هیچگاه درعلوم اجتماعی دیده نمی‌شود (بنگرید به: بودون و بوریکو، ۱۳۸۵: ٤٨٢-٤٩٠؛ گوردون، ۱۳۸۸: ٨١٥-٨١٤). موضوع مطالعه پژوهش‌گران اجتماعی، انسان‌ها هستند که به دلیل

Archive of SID

www.SID.ir

برخورداری از خرد، هنگامی که تحت مشاهده باشند، کنش‌های خود را به شکلی تظاهری و جهت‌دار صادر می‌کنند. بنابراین برخلاف این برداشت از عینیت که مشاهده تغییری در رویدادها ایجاد نمی‌کند، مشاهده پژوهشگر منجر به دگرگونی در کنش‌های اجتماعی می‌شود. مخالفت دیگری که با عینی‌بودن علم اجتماعی می‌شود، ناشی از این نکته است که پژوهش‌گران مختلف بر اساس پیش‌فرض‌ها، علایق و ارزش‌های خود به پدیده‌ها می‌نگرند که می‌توان آن را در اصطلاح «اتکای مشاهدات بر نظریه» یا «نظریه‌زدگی مشاهدات» خلاصه کرد (چالمرز، ۱۳۸۹: فصل سوم؛ چرنوف، ۱۳۹۰: ۲۱۸). اگر مشاهده را مسبوق به تفسیر و نگرش پژوهش‌گران بدانیم، آنگاه ممکن است پدیده‌ای که مورد توجه و مشاهده پژوهشگر قرار می‌گیرد، اساساً توسط محقق دیگر دیده نشود (به حساب نیاید). همچنین، ممکن است پژوهش‌گری به دلیل تعهدات ارزشی خود، از مشاهده و گزارش برخی واقعیت‌ها که بر خلاف ارزش‌های درونی خویش می‌داند، اجتناب کند. این مسئلهٔ «استقلال واقعیت اجتماعی از ذهن پژوهشگر» و «رها از ارزش بودن مشاهدات» را زیر سؤال می‌برد. به سخن دیگر، خطر بزرگی که بی‌طرفی و عینیت علوم اجتماعی را تهدید می‌کند، تعهدات سیاسی پژوهش‌گر است (راین، ۱۳۷۰: ۲۷۲). انتقاد بعدی از عینیت درعلوم اجتماعی، به ماهیت یگانه و بی‌نظیر پدیده‌های اجتماعی باز می‌گردد. برخی منتقدان برآنند که پدیده‌های اجتماعی بر خلاف پدیده‌های تجربی، تکرارپذیر نیستند. تکرارناپذیری نیز به نوبه خود تجربه‌پذیری و آزمون‌پذیری این پدیده‌ها را زیر سؤال می‌برد.

در واقع، مطالعات اطلاعاتی و «اطلاعات» به عنوان محصول شناختی فعالیت‌های اطلاعاتی، بخشی از علوم اجتماعی به شمار می‌روند و از این رو، هر سه انتقاد فوق می‌تواند در مورد عینیت در اطلاعات نیز وارد باشد. اگرچه علم اجتماعی در برابر هر سه نقد فوق آسیب‌پذیر است، اما استدلال‌هایی که در ادامه خواهد آمد، نشان می‌دهد «اطلاعات» به عنوان نوعی از شناخت اجتماعی، شایسته‌ترین گزینه برای اطلاق صفت علمی در میان زیرشاخه‌های علوم اجتماعی است.

انتقاد اول بر آن است که مشاهده منجر به تغییر در واقعیت مورد مشاهده می‌شود. تحریف یا جهت‌دارشدن کنش‌های انسانی، هنگامی که انسان‌ها متوجه مشاهده کنش‌های خود باشند،

Archive of SID

www.SID.ir

امری غیرقابل انکار است. از همین روست که در تحقیقات اجتماعی ، پژوهش‌گران با پـذیرش تحریفی به نام «اثر حضور مشاهده‌گر» یا «واکنش در برابر پرسش‌نامه» که باعث می‌شـود افـراد رفتار طبیعی و عادی خود را نشان ندهند (سرمد، بازرگان، حجـازی،۱۳۸۹: ۱۵۳؛ سـاروخانی، ۱۳۸۲: ٤٣٥)، به دنبال روش‌هایی برای کاستن از این تحریف بوده‌اند. در عین حال، اطلاعـات به عنوان شناخت حاصل از مطالعات اطلاعاتی، تا حد زیادی عاری از این نقص است، چرا که اساساً پنهان‌کاری ویژگی فعالیت‌های اطلاعـاتی اسـت (Shpiro, 2001) و مشـاهده اطلاعـاتی بدون آگاهی مشاهده‌شونده‌ها و به صورت پنهان انجام می‌شود. بنـابراین، هنگـامی کـه «سـوژه مطالعه» از تحت نظارت و مشاهده‌بودن‌اش آگاهی نداشته باشد، رفتارش تظاهری نخواهد بـود یا دست کم می‌توان ادعا کرد اگر اصول پنهانکاری در مشاهده «سوژه مطالعـه» رعایـت گـردد، احتمال بروز چنین نقصی کاهش می‌یابد. عامـل دیگـری کـه نقـص ناشـی از تغییـر در رفتـار مشاهده‌شونده‌ها در اطلاعات را می‌کاهد، آگاهی مشاهده‌گران از احتمال تظاهر و پنهانکـاری و عدم بروز کنش واقعی در «سوژه مطالعاتی» است. اساساً علت آنکه پدیده‌ای تبدیل بـه «سـوژه مطالعات اطلاعاتی» می‌شود، این پیش‌فرض است که «سوژه مورد نظر» کنش‌های تظاهری دارد و کنش‌های حقیقی‌اش را پنهان می‌کند. چنین پیش‌فرضی باعث می‌شـود مشـاهده‌گـران دقـت بیشتری در ثبت مشاهدات واقعی به خرج دهند و کمتر گرفتـار کـنش‌هـای تظـاهری موضـوع مطالعه گردند.

بر اساس انتقاد دوم، واقعیت اجتماعی بیرون از ذهن پـژوهش‌گـر و رهـا از ارزش‌هـای او نیست. از این رو، شناخت حاصل از آن را نمی‌توان عینی دانست. «رها از ارزش بودن شناخت اطلاعاتی» به عنوان یکی از برداشت‌ها از عینیت و یکی از ویژگی‌های شناخت علمی، به دلیـل اهمیت آن، در بخش بعدی مقاله به صورت جداگانه بررسی می‌شود، امـا ابتنـای مشـاهدات و واقعیت‌ها بر پیش‌فرض‌های ذهنی و تأثیر آن بر شناخت اطلاعـاتی در همـین قسـمت تشـریح می‌گردد. با توجه به درگیری اجتماعی یا سیاسی اجتناب‌ناپذیر مشاهده‌گر یـا فاعـل شناسـا در علوم اجتماعی، برخی از منتقدین عینیت را امری دست‌نیافتنی می‌دانند (گوردون، ۱۳۸۸: ۸۱۵). اسحاق بن اسرائیل (که خود طرفدار عینیت در اطلاعات است) این انتقـاد را ایـن گونـه طـرح می‌کند که مشاهده‌گر اطلاعاتی خود بخشی از سازوکار امنیت ملی است و نمی‌تواند خویشـتن

www.SID.ir

را از موضوع در دست بررسی منفک کند تا موضوع را از بیرون مشاهده کند. بنابراین، جهت‌داربودن مشاهدات اجتناب‌ناپذیر و گزارش ناشی از آنها ذهنی بوده و عینی و بی‌طرف نخواهد بود (بن اسرائیل، ۱۳۸۱: ۹۱). در این استدلال فرض بر این است که عینیت علوم طبیعی ناشی از نوع برخورد روانی و ذهنی دانشمندان (مشاهده‌گران) با پدیده‌های مورد مطالعه است. بر این اساس، اگر مشاهده‌گران خوب تربیت شده باشند و با موضوع تحقیق خود با دقت برخورد کرده و احساسات خود را کنترل کنند، پژوهش‌های آنان عینی خواهد بود. طبق این دیدگاه، چون در علوم طبیعی، مشاهده‌گر از طبیعت جداست و بخشی از موضوع تحقیق به شمار نمی‌رود، ارزش‌ها و ذهنیت او در تحقیق منعکس نمی‌شود، اما چون در علوم اجتماعی و مطالعات اطلاعاتی چنین نیست، علایق شخصی مشاهده‌گر در پژوهش دخالت می‌کند. از نظر بن اسرائیل این استدلال اشتباه است. بنیاد عینیت در علم مبتنی بر رفتار مشاهده‌گر یا دانشمند نیست، بلکه ناشی از نهادهای علمی است. این نهادها به هر دانشمندی اجازه می‌دهند نتایج تحقیقات دیگران را که در مجموعه ادبیات علمی منتشر می‌شود، مورد سنجش قرار داده و درستی آن را بیازمایند (بن اسرائیل، ۱۳۸۱: ۹۲). نهادهای علمی با تربیت و آموزش شیوه صحیح مشاهده و از سوی دیگر، با فراهم‌آوردن امکان نظارت مشاهده‌گران بر مشاهدات یکدیگر از طریق انتشار نتایج تحقیقات، امکان نقد شناخت تولیدشده را فراهم و در فرایند به هم پیوسته، عینیت شناخت علمی را تضمین می‌کنند. به عبارت دیگر، عینیت همانا آزمون‌پذیری ادعا توسط دیگر پژوهش‌گران است. به بیان دیگر، تک‌تک افراد جامعه علمی می‌توانند شرایط آزمون نظریه را فراهم آورده و در خصوص صدق و کذب آن به تحقیق بپردازند. فعالیت‌های اطلاعاتی نیز نه بر مشاهده‌گران (افسران اطلاعاتی) که بر نهادهای اطلاعاتی استوارند. نهادهای اطلاعاتی نیز قبل از آنکه پرسنل خود را وارد مقوله مهم و راهبردی تولید شناخت اطلاعاتی بکنند، آموزش‌های لازم در مورد چگونگی مشاهده و روش‌های آن را به افسران اطلاعاتی ارائه می‌کنند. از سوی دیگر، هر نهاد اطلاعاتی دارای بخش‌های مختلفی است که یکی از وظایف آنها ارزیابی صحت و عینیت مشاهدات و گزارش‌های اطلاعاتی است. به سخن دیگر، شناخت اطلاعاتی تولیدشده توسط یک بخش از نهاد، توسط بخش دیگری از همان نهاد مورد آزمون مجدد قرار گرفته و صحت و سقم آن ارزیابی می‌شود.

Archive of SID

www.SID.ir

سومین برداشت از عینیت، آن را با تکرارپذیری گره می‌زند. برای آنکه نشان دهیم پدیده‌های اطلاعاتی (یعنی آن دسته از کنش‌های انسانی که ویژگی اساسی آنها پنهان‌کاری است)، تکرارپذیر و بنابراین عینی‌اند، ابتدا تکرارپذیری را معنی می‌کنیم. تکرارپذیری بدین معنی است که اولاً پدیده‌های مورد مشاهده ما منحصر به فرد و اتفاقی نباشند و دست کم در شرایط یکسان دوباره واقع شوند. مثلاً «شورش» به عنوان پدیده، برای آنکه امکان مشاهده دقیق بیابد، باید بیش از یک بار واقع شود. از سوی دیگر، تکرارپذیری بدان معنی است که نتایج آزمون هر فرضیه در مورد پدیده مورد مطالعه، پس از تکرار تحقیق در موقعیت‌های مشابه (توسط مشاهده‌گر یا مشاهده‌گران مختلف)، تأیید گردد. هر قدر این امر بیشتر باشد، علمی‌بودن و عینیت تحقیق بالاتر خواهد بود (سکاران، ۱۳۸٤: ۱٦). طبق این تعریف، بسیاری از پدیده‌هایی که موضوع مطالعات اطلاعاتی هستند، تکرارپذیرند. به عنوان نمونه، کنش‌های اطلاعاتی مانند «جاسوسی» یا «اقدام به براندازی» پدیده‌هایی هستند که بارها در هر کشوری اتفاق می‌افتند و امکان مشاهده دوباره و چندباره آنها و سپس، تولید شناخت از پدیده بر اساس آن مشاهدات، وجود دارد. از سوی دیگر، چون پدیده‌ها تکرار می‌شوند، می‌توان فرضیه‌هایی را که در مورد علت وقوع آنها در ذهن مشاهده‌گران وجود دارد، در موارد مختلف به آزمون کشید. به عنوان نمونه، این اظهار نظر سرتیپ طباطبایی معاون اطلاعات ارتش جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که چگونه تکرارپذیری مستمر، امکان مشاهده مداوم پدیده را ایجاد کرده و در نهایت منجر به شناسایی قانون‌مندی یا الگوی حاکم بر رفتار سوژه شده است: «یک دهه رصد اطلاعاتی (مشاهده اطلاعاتی) رفتار آمریکا در منطقه خلیج فارس، منجر به درک رفتارشناسانه‌ای از آمریکا شده است» (کیهان، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۱: ۱٤)[۱]. البته، باید به این نکته نیز اشاره کرد که تکرارپذیری پدیده‌های اطلاعاتی (اجتماعی) به معنی آن نیست که یک اتفاق همیشه برای انسان واحد واقع شود، بلکه عمدتاً به این مفهوم است که اتفاق واحد مثلاً «اقدام به جاسوسی» در جامعه برای افراد مختلف واقع می‌شود. منظور از تکرارپذیری، وقوع دوباره

---

۱. این اظهار نظر نشان‌دهنده می‌دهد رفتارگرایی به عنوان یکی از رهیافت‌های مطالعه علمی علوم اجتماعی، در فرایند تولید شناخت اطلاعاتی نیز وجود دارد. از سوی دیگر، تأکید بر رفتار به معنی مادی‌بودن هستی‌شناسی اطلاعات است.

www.SID.ir

رویداد به عنوان کنش انسانی است نه آنکه یک انسان دوباره همان کنش را بروز دهد. بدین ترتیب، می‌توان گفت پدیده‌های اطلاعاتی، وقایعی منحصر به فرد و تکرارناپذیر نیستند که امکان مشاهده دوباره و مطالعه آنها وجود نداشته باشد. یکی دیگر از نکات مربوط به تکرارپذیری، امکان آزمون مجدد فرضیه توسط مشاهده‌گران مختلف است. اگرچه شناخت اطلاعاتی به دلیل ماهیت طبقه‌بندی خود امکان آزمون‌پذیری توسط جامعه علمی برون‌سازمانی ندارد، اما نظریات و ادعاهای مطرح‌شده در بخش‌های مختلف نهاد اطلاعاتی، در بخشی که متولی تحلیل و ارزیابی اطلاعات است، مورد ارزیابی و آزمون مجدد قرار می‌گیرد[۱].

هر مشاهده‌گری چه در علوم اجتماعی و چه در علوم دقیقه، ممکن است گرفتار ذهنیت‌های خود در مشاهده واقعیت‌ها باشد، اما این نهادهای علمی‌اند که با نقادی مشاهدات منتشرشده توسط دیگر پژوهش‌گران، ذهنی‌بودن یا عینی‌بودن آن را به داوری می‌نشینند و همین امر در پژوهش‌های اطلاعاتی نیز صادق است. با این حال، به دلیل آنکه نهادهای اطلاعاتی درگیر فرهنگ پنهان‌کاری‌اند و محرمانگی مشاهدات و گزارش‌های اطلاعاتی، انتشار آنها را با محدودیت مواجه می‌کند، روند نقادی گزارش‌های اطلاعاتی در فضای آزاد صورت نمی‌گیرد، بلکه تبدیل به کارکرد درون‌نهادی در سازمان‌های اطلاعاتی می‌شود که تفاوت‌هایی با روند نقادی در فضای دانشگاهی دارد. با این وجود، این تفاوت‌ها به معنی عدم عینیت در مشاهدات و شناخت اطلاعاتی نیست، بلکه بر عکس نشان‌دهنده توجه این نهادها به عینی‌بودن به عنوان اصل کاری در تولید اطلاعات است. چارلز لاتروپ، افسر اطلاعاتی سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا معتقد است جایگاه عینیت در اطلاعات همانند نقش فروتنی در زندگی اخلاقی، جایگاه محوری است (Lathrop, 2004: 268). ری کلاین[۲] معاونت تحلیل سازمان سیا در دهه ۷۰ میلادی نیز بر آن است که عینیت تنها مزیت اطلاعات است که واقعاً اهمیت دارد (Lathrop, 2004: 272). عینیت به عنوان چراغ راهنمای هر سرویس اطلاعاتی

---

۱. سازمان‌های اطلاعاتی بر اساس کارکردهای چهارگانه خود که شامل جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل، ضد اطلاعات و اقدام پنهان است، معمولاً سه بخش مختلف دارند که یک بخش مسئول جمع‌آوری داده‌ها از موضوعات مطالعاتی است، یک بخش وظیفه ارزیابی و آزمون آن داده‌ها را دارد (تحلیل) و بخش سوم نیز به اقدامات اجرایی بر اساس شناخت تولیدشده دست می‌زند (اقدام پنهان).

2. Ray Cline

www.SID.ir

است و در واقع، تنها با عینی‌بودن شناخت اطلاعاتی است که سیاست‌گذاران ممکن است موفق به اخذ تصمیم‌های مطلوب گردند. فقدان عینیت نه تنها منجر به تولید شناخت اطلاعاتی تحریف‌شده می‌شود، بلکه فراتر از آن، موجب از بین رفتن اعتبار تحلیل‌های اطلاعاتی در نزد سیاست‌گذاران می‌گردد. از سوی دیگر، بدون عینیت، حتی مشاهدات افسران اطلاعاتی نیز تحریف‌شده خواهد بود که به معنی جمع‌آوری داده‌های اشتباه و به دنبال آن، تحلیل تحریف‌شده و اقدامات اطلاعاتی اشتباه خواهد بود. بدین ترتیب، می‌توان ادعا کرد عینیت هستی‌شناختی و روش‌شناختی، یکی از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر اطلاعات (به عنوان نوعی از شناخت) به شمار می‌رود. اگر شناخت تولیدشده توسط سرویس‌های اطلاعاتی فاقد عینیت باشد، شاید نبود چنین سرویس اطلاعاتی‌ای از بود آن بهتر باشد.

۳. از «رهایی از ارزش» در علم تا «استقلال اطلاعاتی»

عینیت به معنای «رها از ارزش بودن»، چه در هنگام مشاهدات (که من آن را عینیت هستی‌شناختی می‌نامم) و چه در فرایند تولید شناخت (که آن را عینیت روش‌شناختی می‌نامم)، یکی از ویژگی‌های ضروری شناخت علمی است. پربسامدترین گزاره‌ای که بر این اساس در ادبیات مربوط به روش‌شناسی علمی یافت می‌شود، این است که فاعل شناسا نباید ارزش‌های خود را بر تحقیق تحمیل کند و تحقیق باید فارغ از ارزش باشد. مهمترین نتیجه این گزاره آن است که امکان «مشاهده خنثی» وجود دارد و دانشمندان با مواجهه بی‌طرفانه و فارغ از پیش‌فرض با عالم واقع، قادرند داده‌های محض و گزاره‌های فارغ از سوگیری (اُسولیوان، هارتلی، ساندرز و فیسک، ۱۳۸۵: ۲۸۱-۲۸۲) تولید کنند. شناخت علمی مبتنی بر مشاهده واقعیت‌ها و آزمایش مشاهدات است. علم بر آنچه می‌توان دید، شنید و لمس کرد، استوار است و عقاید، ارزش‌ها و سلیقه‌های شخصی نباید در پژوهش دخالت کنند. به گفته گاستون باشلار، شناخت علمی محصول غلبه بر پیش‌داوری‌ها، ساختن از راه تعقل و آزمایش با واقعیات است (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۵: ۱۲). در جریان پژوهش علمی، پژوهش‌گر تمام تلاش خود را می‌کند که فارغ از ارزش‌های شخصی، پدیده‌ها و روابط میان آنها را بررسی کند. البته، رها از ارزش‌بودن به معنی

www.SID.ir

آن نیست که ارزش‌ها هیچ نقش و تأثیری در فرایند پژوهش علمی ندارند. تمام کنش‌های پژوهشی افراد بر اساس علایق و ارزش‌های آنان برنامه‌ریزی می‌شود. از سوی دیگر، هنگامی که به دنبال بهره‌برداری از نتیجه پژوهش علمی باشیم، ارزش‌ها مهمترین هدایت‌کننده آن به شمار می‌روند. به عبارت دیگر، بهره‌برداری از نتایج پژوهش‌های علمی همواره بر اساس ارزش‌ها و باورهای مصرف‌کننده است. بدین ترتیب، می‌توان گفت شناخت علمی بر اساس ارزش‌های گوناگون مصرف‌کنندگان آن، ممکن است در راستای اهداف مختلفی به کار گرفته شود. اگرچه علم فارغ از ارزش‌ها نیست، اما می‌توان گزاره‌های ارزشی و واقعی را از یکدیگر تفکیک کرد.

بنابراین، چنین به نظر می‌رسد که اگر فرایند پژوهش علمی را شامل سه مرحله (۱) برنامه‌ریزی برای پژوهش و انتخاب موضوع مطالعاتی، (۲) انجام پژوهش و (۳) کاربرد شناخت علمی بدانیم، در آن صورت، پژوهش‌گر در دو مرحله ارزش‌های خود را در پژوهش دخیل می‌کند. اول به هنگام برنامه‌ریزی برای پژوهش و سپس به هنگام بهره‌برداری از نتایج آن. به طور کلی، باید گفت برنامه‌های پژوهشی بر اساس علایق، ارزش‌ها و نیازهای پژوهش‌گر طراحی می‌شود و بهره‌برداری از نتایج آن نیز به ارزش‌ها و نیازهای مصرف‌کننده بستگی دارد. «فارغ از ارزش بودن» به عنوان یکی از ویژگی‌های علم، تنها در فرایند انجام پژوهش و تولید شناخت صحت دارد، چرا که برنامه‌ریزی و بهره‌برداری از نتایج پژوهش علمی، همواره مبتنی بر ارزش‌هاست. شکل زیر تأثیر ارزش‌ها در پژوهش علمی را نشان می‌دهد:

مرحله برنامه‌ریز برای پژوهش علمی(انتخاب موضوع پژوهش)	مرحله انجام پژوهش بر اساس روش علمی و تولید شناخت علمی	مرحله بهره‌برداری از نتایج پژوهش (شناخت علمی)
ارزش‌محور	فارغ از ارزش	ارزش‌محور

روایت فوق از عینیت به مفهوم «رها از ارزش بودن» در علم، بدین معنی است که عمل مشاهده، خنثی و رها از ارزش است، اما آنچه موضوع مشاهده قرار می‌گیرد، نتیجه انتخاب ذهنی است. دانشمندان در انتخاب واقعیت‌های اجتماعی برای مطالعه، تحت تأثیر موقعیت‌های شخصی و اجتماعی هستند. این بدان معنی است که واقعیت‌های اجتماعی برای تبدیل‌شدن به موضوع

Archive of SID

www.SID.ir

مطالعه (یافتن موقعیت هستی‌شناختی)، وابسته به ذهنیت مشاهده‌گرند. این ذهنیت مشاهده‌گر است که با انتخاب برخی از واقعیت‌های خارج از ذهن به آنها موقعیت هستی‌شناختی داده و عینیت (به مفهوم پذیرش وجود خارجی پدیده‌ها برای مطالعه) می‌بخشد. از این رو، عینیت هستی‌شناختی در علوم اجتماعی (و حتی علوم طبیعی)، در واقع به نوعی عینیت‌بخشی ذهنی است. همچنین، بر اساس روایت فوق، اگرچه شناخت تولیدشده بی‌طرف و خنثی است (عینیت روش‌شناختی)، اما شیوه کاربست و نوع برخورد با آن (انتشار آن نیز نوعی از کاربست آن به شمار می‌رود) امر ذهنی است. بنابراین، عینیت در مفهوم «رها از ارزش بودن» نوعی ارزش روش‌شناختی است که باید در روند تولید شناخت از موضوع مطالعاتی مورد توجه قرار بگیرد.

این روایت از عینیت به شکلی آیینه‌وار در فرایند تولید شناخت اطلاعاتی نیز وجود دارد. چون نهاد اطلاعاتی به عنوان تولیدکننده «اطلاعات به مثابه شناخت» بخشی از نظام سیاسی است، طبیعی است مأموریت‌های آن در خدمت دولت و نظام سیاسی حاکم باشد. اطلاعات در عام‌ترین برداشت، متغیری وابسته به سیاست است. سیاست، اطلاعات را سازمان‌دهی، هدایت و در صورت نیاز، دگرگون می‌کند (میرمحمدی، ۱۳۸٦). به طور کلی، سیاست به مثابه بستری است که اطلاعات در آن قرار دارد و در آن متن عمل می‌کند. از این رو، کارکردهای اطلاعات باید منطبق بر نیازهای سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران باشد. تولید شناختی که به سیاست‌گذاری کمک نکند، تنها هدردادن امکانات و منابع است. بنابراین، از لحاظ عینیت هستی‌شناختی، مشاهده‌گران اطلاعاتی موضوعات مطالعاتی خود را بر اساس چارچوب‌های ذهنی سیاست‌گذاران انتخاب می‌کنند. در واقع، چارچوب‌های ذهنی و نیازمندی‌های سیاست‌گذاران، معیاری است که برخی از واقعیت‌های بیرونی را تبدیل به موضوع مطالعاتی و دستور کار اطلاعات می‌کند. بنابراین، می‌توان گفت اطلاعات بدون وجود چارچوب‌های سیاسی، کور خواهد بود. این گزاره بدین معنی است که اگر سیاست به اطلاعات نگوید چه می‌خواهد و به چه نیاز دارد، اطلاعات سردرگم خواهد شد و نمی‌تواند موضوعات مطالعاتی خود را از میان واقعیت‌های گوناگون جهان خارج، به درستی برگزیند.

البته، تولید شناخت اطلاعاتی در مورد پدیده‌های مورد مطالعه که بر اساس نیازها و تحت تأثیر گرایشات فکری سیاست‌گذاران حاکم تعیین می‌شوند، نباید تحت تأثیر تمایلات و سلایق

Archive of SID

www.SID.ir

سیاسی، منافع درون‌سازمانی و برون‌سازمانی قرار بگیرد. فعالیت اطلاعاتی (فرایند تولید شناخت از پدیده‌ها) باید فارغ از سوگیری‌ها انجام شود که از آن با مفهوم «استقلال اطلاعاتی» یاد می‌شود. منظور از استقلال اطلاعاتی آن است که مشاهده‌گران اطلاعاتی (در مقام فاعل شناسا) در مشاهده و گزارش واقعیت‌ها به همان گونه که هستند، ارزش‌ها و گرایش‌های فکری خود را دخالت ندهند. شرمان کنت گفته‌ای دارد که تجزیه و تحلیل آن به درستی نشان‌دهنده جایگاه ارزش‌ها در فعالیت اطلاعاتی است. کنت بر آن است که اطلاعات باید به اندازه کافی به سیاست‌گذاری نزدیک باشد تا راهنمایی‌های لازم را کسب کند و از سوی دیگر، باید به اندازه‌ای به سیاست‌گذاری نزدیک نشود که عینیت و انسجام در ارزیابی‌ها و قضاوت‌هایش را از دست بدهد (Lathrop, 2004: 269). این گفته کنت به این مفهوم است که سرویس‌های اطلاعاتی برای انتخاب موضوعات کاری خود یا همان دستور کار اطلاعات، نیازمند آگاهی از نیازهای سیاست‌گذاران‌اند که تحت تأثیر گرایشات فکری و سلایق سیاسی تعیین می‌شود. نهاد اطلاعاتی برای آنکه بتواند به نیازهای سیاست‌گذار پاسخ گوید، لازم است به اندازه کافی به آن نزدیک شود تا از رهنمودهای سیاست‌گذارانه آن در تعیین دستور کار اطلاعاتی بهره‌برداری کند (ارزش‌محوربودن انتخاب موضوع مورد مشاهده). این نکته نشان‌دهنده این واقعیت است که اطلاعات به عنوان شناختی که توسط سازمان اطلاعاتی تولید می‌شود، درخدمت ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی مسلط است. البته این ارزش‌ها و هنجارهای مسلط، تنها در تعیین دستور کار اطلاعات (یعنی موضوعات مطالعاتی برای مشاهده‌گرها)، نقش دارد و فرایند انجام فعالیت‌های اطلاعاتی و تولید شناخت از موضوعات مطالعاتی، باید به دور از دخالت ارزش‌ها و گرایشات و سلایق فکری باشد تا به قول کنت، عینیت و انسجام آن تأمین گردد. تمام تلاش سازمان‌های اطلاعاتی بر این است که فرایندهای حرفه‌ای درون آن، همواره بدور از ارزش‌ها و گرایش‌های خاص انجام شود و مطلوبیت محصولات اطلاعاتی بر این اساس استوار است که تا چه اندازه فارغ از تمایلات و گرایشات ارزشی و هنجاری انجام شده‌اند. اهمیت بی‌طرفی و استقلال در تولید شناخت اطلاعاتی به اندازه‌ای است که ریچاردز هوور، یکی از تحلیل‌گران اسبق سرویس اطلاعات مرکزی آمریکا، در کتاب روان‌شناسی تحلیل اطلاعات، شش فصل از

Archive of SID

www.SID.ir

چهارده فصل کتاب را به موضوع تأثیر سوگیری‌های ارزشی و ذهنی و چگونگی اجتناب از آن در تحلیل اطلاعاتی اختصاص داده است (هوور، ۱۳۸۰: فصول ٦ و۹-۱۳).

چون اطلاعات به عنوان نهاد سیاسی (که بر آمده از قدرت سیاسی است)، همواره در خدمت ارزش و هنجار خاصی است، نتایج حاصل از فعالیت‌های اطلاعاتی (شناخت اطلاعاتی)، نیز در راستای ارزش و هنجار، تعیین‌کننده دستور کار اطلاعاتی استفاده می‌گردد. هرچند فرایندهای حرفه‌ای اطلاعات به دور از گرایش‌های درونی و ارزش‌های مشاهده‌گران انجام می‌شود، اما سرانجام این ارزش‌ها و گرایشات هستند که کاربست اطلاعات را تعیین می‌کنند. بدین ترتیب، می‌توان ادعا کرد تأثیر و جایگاه ارزش‌ها و اصل «رها از ارزش بودن» به عنوان یکی از معانی عینیت، هم در علم و هم در اطلاعات، یکسان و مشابه است. شناخت اطلاعاتی نیز همانند شناخت علمی، برای دقیق‌بودن و معتبربودن باید بی‌طرفانه و مستقل از گرایشات فردی، گروهی و اجتماعی تولید شود که از آن به عینیت روش‌شناختی یاد می‌شود. در عین حال، عینیت هستی‌شناختی اطلاعات، همانند علم، وابسته به موقعیت شخصی و اجتماعی مشاهده‌گر است. از همین روست که امام خمینی تأکید می‌کند که افراد اطلاعات (مشاهده‌گران) باید مستقل، منزه و متقی باشند (صحیفه نور، ج ۱۹: ۱۸۰). ایشان همچنین، در خصوص بی‌طرفی نهادهای اطلاعاتی تأکید می‌کنند که افرادی که در کار اطلاعاتی هستند (به عنوان مشاهده‌گران)، نباید در هیچ حزب و گروه سیاسی عضو باشند، چرا که وابستگی به گروهها منجر به وابستگی فکری و عملی (سوگیری روش‌شناختی) می‌گردد و این با کار اطلاعاتی منافات دارد. افراد اطلاعاتی باید بی‌طرف بی‌طرف باشند (صحیفه نور، ج۱۹: ۱۷۹).

٤. پیش‌بینی علمی، کارکرد ذاتی شناخت اطلاعاتی

بسیاری از مردم و حتی دانشگاهیان، انتظار دارند سازمان‌های اطلاعاتی قادر به پیش‌بینی و هشداردهی درباره وقایع و رویدادها با درجه بالایی از اعتبار و دقت باشند. طبق تعریف نیز اطلاعات شناختی از جهان اطراف است که سه ویژگی توصیف، تبیین و پیش‌بینی را دارد. در واقع، اطلاعات نوعی شناخت پیشینی از پدیده‌های آتی است. پیش‌بینی به عنوان یکی از

Archive of SID

www.SID.ir

ویژگی‌های محتوایی اطلاعات، محصول کارکرد تحلیل اطلاعات به شمار می‌آید. هدف اصلی از تحلیل‌های اطلاعاتی، آینده‌نگری و هشداردهی نسبت به رویدادها و وقایع در آینده است. مهمترین کارکرد نهادهای اطلاعاتی در دوران کنونی، آینده‌نگری، پیش‌بینی و هشداردهی نسبت به وقایع آتی است (حاجیانی، پائیز ۱۳۹۰).

در ادبیات اطلاعاتی، اطلاعات برآوردی[1] یکی از انواع محصولات اطلاعاتی است که توسط تحلیل‌گران اطلاعاتی تولید می‌شود و منظور از آن، نوعی شناخت اطلاعاتی است که به پیش‌بینی پدیده‌های احتمالی آینده مرتبط با سیاست‌گذاری ملی می‌پردازد (Watson, Watson and Hopple, 1990: 224; Polmar and Allen,1997: 283). برآورد به دنبال تحلیل شرایط آینده در حوزه روابط خارجی، تحولات یا روندهای مربوط به مسائل و موضوعات مهم و آینده‌های ممکن و پیامدهای محتمل اقدامات اتخاذ شده است. از سوی دیگر، برآوردها به دنبال شناسایی توانمندی‌ها، آسیب‌پذیری‌ها و اقدامات احتمالی دولت‌های خارجی، گروهها و افراد (داخلی یا خارجی مرتبط با امنیت ملی)، در آینده و پیامدهای احتمالی آن بر سیاست‌گذاری ملی و امنیت ملی است. جایگاه برآوردهای اطلاعاتی در میان محصولات اطلاعاتی و نقش مؤثر این نوع محصولات در سیاست‌گذاری ملی که نمونه آن را می‌توان در تأثیر انتشار برآوردهای اطلاعات ملی آمریکا دید، نشان می‌دهد پیش‌بینی نه تنها از ویژگی‌های شناخت اطلاعاتی، بلکه یکی از انتظارات سیاست‌گذاران از نهادهای اطلاعاتی است.

انتظار از اطلاعات برای تولید شناخت پیشینی، در حالی است که پیش‌بینی را یکی از کارکردهای مشروعیت‌بخش نظریات علمی دانسته‌اند (معینی علمداری، ۱۳۸۵: ۲۰). از سوی دیگر، «امکان پیش‌بینی» یکی از معیارهای علمی‌دانستن دانش در حوزه‌های مختلف نیز هست (حقیقت، ۱۳۸۵: ۱۰۱). بر این اساس، علمی‌دانستن شناخت در حوزه خاص مانند شناخت اطلاعاتی، مستلزم آن است که پدیده‌های مورد مطالعه در آن حوزه، تحت تأثیر قانون‌مندی‌های خاصی باشد. در واقع، قانون‌مندبودن پدیده‌هاست که امکان پیش‌بینی را فراهم می‌آورد. قانون بیان‌گر رابطه کلی و عمومی میان پدیده‌هاست که از طریق مشاهده به دست می‌آید. با این وجود، برخی معتقدند علوم انسانی و اجتماعی (که اطلاعات نیز بخشی از آنهاست)، نتوانسته‌اند تعمیم‌های کلی درمورد چارچوب‌های

1. Estimative Intelligence

www.SID.ir

حاکم بر رفتارهای انسانی فردی و گروهی را ارائه دهند و به همین دلیل، امکان پیش‌بینی در آنها وجود ندارد. اساساً رفتارهای انسانی به دلیل آنکه همزمان تحت تأثیر عوامل متعددی است، بسیار پیچیده بوده و در بسیاری از موارد، منحصر به فرد است. بنابراین، انحصاری‌بودن پدیده‌های انسانی ضمن رد تکرارپذیری، قانون‌مندی آنها را زیر سؤال برده امکان پیش‌بینی را از شناخت حاصل از مطالعات انسانی و اجتماعی و مطالعات اطلاعاتی ساقط می‌کند (بنگرید به: منوچهری، ۱۳۸۷: پاورقی ص.۲؛ بن اسرائیل، ۱۳۸۰).

پاسخ به این انتقادات، آن است که به رغم تمام مشکلاتی که در کشف قانون‌مندی‌های حاکم بر رفتارهای انسانی وجود دارد، علوم انسانی و اجتماعی موفق به شناسایی تعداد بسیار زیادی از قوانین حاکم بر پدیده‌های اجتماعی شده‌اند (مانند نظریه‌های متعدد تبیین‌گر رفتارهای انقلابی، نظریه مربوطه به بازدارندگی، نظریه‌های مدیریت و...) (بنگرید به: فریدمن، ۱۳۸٦؛ بشیریه، ۱۳۸۷؛ گر، ۱۳۷۷). در مطالعات اطلاعاتی نیز اولین نظریه و تعمیم کلی فارغ از زمان و مکانی که می‌توان مورد اشاره قرار داد، در پاسخ به این سؤال است که چرا انسان‌ها جاسوس می‌شوند؟ (Hitz, 2008: 23-58). همین یک مورد می‌تواند نشان دهد پدیده‌های اطلاعاتی، اگرچه از لحاظ آنکه هر بار برای فرد یا جامعه خاص اتفاق می‌افتند انحصاری‌اند، اما چون در بازه‌های زمانی مختلف در همان جامعه یا در جوامع دیگر تکرار می‌شوند، قابلیت مطالعه و در عین حال، یافتن قانونمندی‌های حاکم بر آن را دارند. با این حال، باید اشاره کرد که قوانین حاکم بر پدیده‌های انسانی و اجتماعی، همانند علوم طبیعی، مکانیکی و ایستا نیستند. وقتی گفته می‌شود آب در۱۰۰ درجه می‌جوشد، منظور این است که در هر جا و در هر زمان (و تحت شرایط مشابه)، آب به طرز اجتناب‌ناپذیری در ۱۰۰ درجه به جوش می‌آید، اما در پاسخ به سؤال چرا انسان‌ها جاسوسی می‌کنند؟ حداقل می‌توان هفت پاسخ مختلف ارائه کرد (Hitz, 2008: 23-58) که اگر چه هر هفت پاسخ معتبرند، اما در شرایط اجتماعی مختلف، یکی از آنها درست‌تر از بقیه خواهد بود. جاسوسی به عنوان پدیده انسانی، واقعیتی سیال و پویاست که درباره هر فرد یا در هر جامعه‌ای و یا در شرایط متفاوت، به دلایل مختلفی اتفاق می‌افتد. بنابراین، پاسخ به سؤالاتی که درمورد کنش‌ها و پدیده‌های انسانی مطرح می‌شوند، هیچگاه مکانیکی نیست، بلکه به علت پویایی و سیالیت پدیده‌های انسانی و تفاوت آنها در زمینه‌های

Archive of SID

www.SID.ir

اجتماعی مختلف باید پاسخ‌ها را نسبی و کوانتومی در نظر گفت. منظور از کوانتومی‌بودن پدیده‌های انسانی، آن است که پدیده‌های انسانی سیال و زنده‌اند و در واقع، همواره در حال شدن، تکامل و تغییراند (بنگرید به: میرمحمدی، ۱۳۸۹). به عبارت دیگر، نوعی عدم قطعیت در مورد میزان اعتبار قوانین حاکم بر پدیده‌های انسانی حاکم است. ویژگی کوانتومی پدیده‌های انسانی که در پدیده‌های اطلاعاتی با شدت بیشتری دیده می‌شود، پیش‌بینی پدیده‌ها و کنش‌های اطلاعاتی را با میزانی از عدم قطعیت مواجه می‌کند. از طرف دیگر، یکی از اهداف در فعالیت‌های اطلاعاتی، پیش‌بینی و تخمین نیات دیگران است. نیات یا انگیزه‌ها را باید جزو کنش‌های پنداری افراد انسانی به شمار آورد. پنداشت‌های فرد، ممکن است در یک لحظه دچار دگرگونی‌های شدید شود. از این رو، هیچ‌گاه نمی‌توان از تخمین قطعی نیات سخن گفت، بلکه به علت ویژگی کوانتومی نیات، می‌توان از تخمین‌های جایگزین همزمان در مورد آن استفاده کرد. بدین ترتیب، اگرچه امکان پیش‌بینی اطلاعاتی وجود دارد، اما این واقعیت که پدیده‌های اطلاعاتی کوانتومی هستند، منجر به غیردقیق بودن پیش‌بینی‌های اطلاعاتی می‌گردد. برای آنکه بتوان پیش‌بینی دقیق اطلاعاتی به عمل آورد، نه تنها باید از قوانین حاکم بر پدیده مورد مطالعه مطلع بود، بلکه باید نسبت به زمینه‌های اجتماعی آن پدیده نیز اشراف داشت (بن اسرائیل، ۱۳۸۰) و در نهایت نیز نباید از پیش‌بینی، بلکه باید از برآورد احتمال وقوع گزینه‌های مختلف سخن گفت. بنابراین، باید گفت تفاوت پیش‌بینی در مطالعات اطلاعاتی (و فراتر از آن مطالعات اجتماعی) با پیش‌بینی در علوم دقیقه، نسبیت بالاتر و عدم قطعیت برآوردها در مقایسه با قطعیت و مکانیکی‌بودن پیش‌بینی در علوم طبیعی است.

هـ. نهاد اطلاعاتی و نهاد دانشگاهی: شباهت در اهداف، تفاوت در فرهنگ

به رغم آنکه ادعای محوری این نوشتار، شباهت روش‌شناختی و هستی‌شناختی علم و اطلاعات است، اما باید اذعان کرد این شباهت در برخی موارد تبدیل به تفاوت‌هایی فاحش می‌شود که مقایسه نهاد تولیدکننده علم (دانشگاه) با نهاد تولیدکننده اطلاعات (سازمان اطلاعاتی)، بیانگر آن است. سازمان‌های اطلاعاتی و دانشگاه‌ها، هر دو نهادهایی برای تولید شناخت‌اند. هر دو پژوهش‌محورند و هر دو از ادبیات دانشگاهی بهره می‌برند. با این وجود، مأموریت‌های آنها

www.SID.ir

برای جمع‌آوری اطلاعات و توزیع آن تفاوت بنیادی با یکدیگر دارد. جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات در دانشگاه، عنصری بنیادین در فرایند تحقیقات روشن‌فکرانه و نظری است. پژوهش‌های دانشگاهی با تدوین فرضیه‌هایی بر پایه واقعیت‌های موجود، ایده‌ها و نظریه‌های جدید را از طریق انتشار، نشست‌های آشکار دانشگاهی و مناظرات دانشگاهی به بوته آزمایش می‌کشند. فرضیه‌هایی که با موفقیت از این بوته بیرون آیند، تبدیل به پایه‌های شناخت جدیدی می‌گردند که عمدتاً از طریق تدریس یا انتشار گسترش می‌یابد. این فرایند تنها در موارد بسیار نادر، خارج از روند انتشار عمومی انجام می‌شود. موارد استثنا نیز معمولاً مربوط به حفظ حریم خصوصی افراد موضوع تحقیق است و یا مشمول حقوق مالکیت معنوی و تجاری برخی از شرکت‌هایی می‌شود که به خاطر مسائل تجاری و رقابت در بازار از انتشار آشکار نتایج تحقیقات جلوگیری می‌کنند. با این حال، در نظر جامعه دانشگاهیان، ماهیت آشکار فرایند تحقیقات دانشگاهی، بهترین ابزار برای تضمین انسجام و کیفیت تولید شناخت است (Judd, 1993).

سازمان اطلاعاتی نیز همانند دانشگاه دست به جمع‌آوری و بررسی داده‌ها می‌زند و مهمترین هدفش تولید شناخت است، اما برخلاف دانشگاه، یکی از مهمترین اهدافش کنترل شناخت و محدودکردن انتشار آن نیز هست. این محدودیت‌ها دسترسی آزادانه به شناخت را از بین می‌برد و این موضوع برای دانشگاهیان قابل پذیرش نیست. در واقع، می‌توان گفت دانشگاه و سازمان اطلاعاتی در زمینه جستجوی شناخت، از لحاظ ایدئولوژی، نهادهایی رقیب یکدیگر به شمار می‌آیند. دانشگاه‌ها به طور سنتی حامی آزادی و توزیع آشکار دستاوردهای علمی هستند و اساساً آن را یکی از عناصر تعریف‌کننده خود به شمار می‌آورند. این در حالی است که سازمان‌های اطلاعاتی با هدف حفاظت از منافع ملی کشورشان، به دنبال محدودکردن آزادی مطلق در اطلاع‌رسانی هستند. بنابراین، برخلاف دانشگاه، شناخت موجود در سازمان‌های اطلاعاتی، آشکار و در دسترس عموم نیست و اعضای سازمان‌های اطلاعاتی نیز مبتنی بر ارزش‌ها و اصول کاری این نهادها، هیچگاه دانش خود را در اختیار دیگران قرار نمی‌دهند (مگر آنکه مخاطبین آنها قبلاً تأییدیه‌های لازم برای دریافت این دانش را کسب کرده باشند).

تفاوت دیگر میان دانشگاهیان و اعضای سازمان‌های اطلاعاتی، رابطه آنها با سیاست‌گذاران است. شاید این رابطه را بتوان رابطه میان فکر و عمل دانست. پژوهش‌گران در پی حقیقت‌اند

www.SID.ir

و سیاست‌گذاران در پی قدرت. از این رو، آنها کاملاً در تضاد با یکدیگرند: قدرت حقیقت را تهدید می‌کند و حقیقت می‌تواند منجر به افشای ظاهرفریبی‌ها و ریاکاری‌های قدرت شود.

سازمان‌های اطلاعاتی در هرحال نهادهایی وابسته و مرتبط با قدرت سیاسی‌اند. هنگامی که نهاد تولید شناخت، از جهان تفکر بیرون می‌رود و به جهان اقدام سیاسی کشیده می‌شود، آزادی آن برای بیان حقیقت در اثر روابطش با قدرت به خطر می‌افتد. در چنین شرایطی، پژوهش‌گر دیگر روشنفکری که بر اساس معیارهای حقیقت ارزیابی می‌شود نیست، بلکه تبدیل به ایدئولوگ و کارگزار سیاسی می‌شود که بر اساس معیارهای قدرت ارزیابی می‌گردد (Morgenthau, 1970: 17). از این لحاظ، شاید بتوان گفت دانشگاه‌ها و سازمان‌های اطلاعاتی غیرقابل مقایسه با یکدیگرند. به رغم این واقعیت، سازمان‌های اطلاعاتی نیز برای جلب اعتماد افکار عمومی و سیاست‌گذاران باید بی‌طرفی سیاسی را پیشه کنند. اعتماد افکار عمومی و سیاست‌گذاران به تحلیل‌ها و شناخت‌های ارائه‌شده توسط سازمان‌های اطلاعاتی مبتنی بر اصل بی‌طرفی سیاسی و عدم سوگیری و استقلال نهادهای اطلاعاتی است. در نهادهای دانشگاهی نیز استقلال دانشگاه دقیقاً ریشه در بی‌طرفی سیاسی آن دارد. در واقع، این استقلال نهادهای تولیدکننده شناخت است که امکان «بیان حقیقت به قدرت» (Morgenthau, 1970: 17) را بدون هیچ کم‌وکاست و احساس خطری به آنها می‌دهد.

بنابراین، به رغم شباهت دانشگاه و سازمان اطلاعاتی در تولید شناخت بی‌طرفانه، شفافیت رفتاری حاکم بر دانشگاه در مقابل فرهنگ پنهان‌کاری حاکم بر سازمان اطلاعاتی قرار دارد.

نتیجه‌گیری

هرچند نوشتار حاضر تلاش کرده است با نشان‌دادن شباهت ظاهری میان روش پژوهش علمی و چرخه اطلاعات و همچنین، هم‌سانی برخی ویژگی‌های علم و اطلاعات مانند عینیت، ابتنای بر مشاهدات و رها از ارزش بودن، مدعی «علمی‌بودن» شناخت اطلاعاتی و فعالیت‌های اطلاعاتی گردد، اما همچنان این سؤال که «آیا اطلاعات علم است؟» در پرده‌ای از ابهام قرار دارد. اولین ابهام ناشی از فقدان نظریه‌ها و چارچوب‌های نظری عام در مطالعات اطلاعاتی

Archive of SID

www.SID.ir

است. وقتی رشته مطالعاتی فاقد نظریه باشد، امکان پیش‌بینی در آن کاهش می‌یابد و همین نکته، دست کم، ادعای علمی‌بودن آن را تضعیف می‌کند. از این رو، اگرچه نظریه‌هایی مانند وابستگی اطلاعات به سیاست و نظریه علل جاسوسی، نویدبخش وجود قانون‌مندی‌های قابل شناسایی در عرصه پدیده‌های اطلاعاتی است، اما شکوفایی نظری این رشته نوظهور مستلزم توجه دانشگاهیان است. دومین ابهام، ریشه در پنهان‌کاری حاکم بر اطلاعات دارد که موجب اجتناب و هراس دانشگاهیان از پژوهش‌های اطلاعاتی می‌شود. تا زمانی که سازمان‌های اطلاعاتی (به عنوان مهترین پدیده‌های اطلاعاتی قابل مطالعه) با تأکید بر پنهان‌کاری، خود را از معرض نقد و نظر جامعه دانشگاهی دور نگاه دارند، نه تنها از جایگاه مناسبی در نزد نخبگان برخوردار نخواهد بود، بلکه منجر به اجتناب هر چه بیشتر آنان از مسائل اطلاعاتی و در نتیجه، تداوم ضعف در نظریه‌پردازی‌های اطلاعاتی می‌گردد.

اگرچه این مقاله تلاش کرد به عنوان گامی نخستین، با طرح مباحث روش‌شناسانه و هستی‌شناسانه، جامعه دانشگاهی ایران را ترغیب به توجه به اطلاعات بنماید، اما تا هنگامی که اطلاعات مورد هجمه پژوهش‌های دانشگاهی قرار نگیرد، همچنان پاسخ به سؤال «آیا اطلاعات علم است؟» در حد ادعا باقی خواهد ماند. بر اساس ادعای این نوشتار، نه تنها فرایندهای درونی سازمان‌های اطلاعاتی برای تولید شناخت، کم و بیش عملی است، بلکه حتی پدیده‌های اطلاعاتی را می‌توان به روش علمی مطالعه کرد. از این رو، پژوهش‌گران دانشگاهی می‌توانند به مطالعه علمی این پدیده‌ها در بسترهای مختلف بپردازند. برخی از این محورهای پژوهشی می‌تواند شامل این موارد باشد: تأثیر پدیده‌های اطلاعاتی بر تحولات داخلی و بین‌المللی، نقش پدیده‌های اطلاعاتی در بازخوانی و بازنویسی تاریخ، تبیین علت‌های وقوع پدیده‌های اطلاعاتی، نقش سازمان‌های اطلاعاتی در کنترل تسلیحات، رژیم‌های امنیتی منطقه‌ای و به طور کلی، امنیت بین‌المللی، چگونگی شکل‌گیری و ظهور نهادهای اطلاعاتی مدرن در بستر تاریخی، رابطه میان تولید شناخت اطلاعاتی و آزادی سیاسی و به عبارت دیگر، بررسی تضاد ظاهری میان کنترل اطلاعاتی و مردم‌سالاری، تأثیر نوع نظام‌های سیاسی بر پدیده‌های اطلاعاتی، نقش سرویس‌های اطلاعاتی در سیاست‌های هویتی و مانند آنها.

Archive of SID

www.SID.ir

منابع

اسولیوان، تام، هارتلی، جان، ساندرز، دانی و فیسک، جان (۱۳۸۵)؛ ***مفاهیم کلیدی در ارتباطات***، ترجمه میرحسین رئیس‌زاده، تهران: فصل نو.

افتخاری، قاسم (۱۳۸۷)؛ «تلاش ناکام تحمیل بینش فلسفی به روش علمی در قرن بیستم»، ***پژوهشنامه علوم سیاسی***، سال سوم، شماره ۳، صص.۷-٤٦.

انوری، حسن (۱۳۸۱)؛ ***فرهنگ بزرگ سخن***، جلد پنجم، تهران: سخن.

بشیریه، حسین (۱۳۸۷)؛ ***انقلاب و بسیج سیاسی***، تهران: دانشگاه تهران.

بن اسرائیل، اسحاق (۱۳۸۱)؛ «فلسفه و متدولوژی فعالیت‌های اطلاعاتی: منطق فراگرد تخمین»، در مهدی سلطانی (به اهتمام)، ***فراگرد تخمین در سیاست و اطلاعات***، تهران: مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، صص.۳۵-۱۵٦.

بودون، ریمون، بوریکو، فرانسوا (۱۳۸۵)؛ ***فرهنگ جامعه‌شناسی انتقادی***، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: فرهنگ معاصر.

پوپر، کارل ریموند (۱۳۷۰)؛ ***منطق اکتشاف علمی***، ترجمه حسین کمالی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

پوپر، کارل ریموند (۱۳۷٤)؛ ***شناخت عینی: برداشتی تکاملی***، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

چالمرز، آلن اف. (۱۳۸۹)؛ ***چیستی علم***، ترجمه سعید زیباکلام، تهران: سمت.

چرنوف، فرد (۱۳۹۰)؛ ***نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل: مفاهیم و تفسیرهای متعارض***، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.

حاجیانی، ابراهیم (پائیز ۱۳۹۰)؛ «هشداردهی: کارکرد تحلیل اطلاعاتی در پیش‌گیری از غافل‌گیری»، ***فصلنامه مطالعات راهبردی***، سال ١٤، شماره سوم، صص.۱۲۷-۱۵۱.

حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸٤)؛ ***مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی***، تهران: سمت.

حقیقت، سید صادق (۱۳۸۵)؛ ***روش‌شناسی علوم سیاسی***، قم: دانشگاه مفید.

Archive of SID

www.SID.ir

خنیفر، حسین، علی شیری، محمد مهدی (بهار ۱۳۹۰)؛ «نقدی بر پژوهش کمی‌گرا و مبانی فلسفی آن در دانش»، ***فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی***، سال ۱۷، شماره ٦٦، صص.١٦١-١٧٩.

راین، آلن (۱۳۷۰)؛ فلسفه علوم اجتماعی، ترجمه عبدالکریم سروش، تهران: صراط.

ساروخانی، باقر(۱۳۸۲)؛ ***روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی***، جلد دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ساروخانی، باقر (۱۳۸۵)؛ ***روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی***، جلد اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

ساندرز، دیوید (۱۳۸۸)؛ «تحلیل رفتاری»، در دیوید مارش و جری استوکر، ***روش و نظریه در علوم سیاسی***، ترجمه امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، فصل سوم.

سرمد، زهره، بازرگان، عباس، حجازی، الهه (۱۳۸۹)؛ ***روش‌های تحقیق در علوم رفتاری***، تهران: آگه.

سروش، عبدالکریم (۱۳٦۱)؛ ***علم چیست؟ فلسفه چیست؟***، تهران: پیام آزادی.

سکاران، اوما (۱۳۸٤)؛ ***روش‌های تحقیق در مدیریت***، ترجمه محمد صائبی و محمود شیرازی، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

طباطبایی (۱۳۹۱)؛ «معاون اطلاعات ارتش: با ۱۰ سال رصد اطلاعاتی ایران استاد رفتارشناسی آمریکاست»، ***روزنامه کیهان***، ۹ اردیبهشت ۱۳۹۱، شماره ۲۰۱۹٤، ص. ١٤.

فریدمن، لارنس (۱۳۸٦)؛ ***بازدارندگی***، ترجمه عسگر قهرمان‌پور بناب و روح‌الله طالبی آرانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فولادی‌مهر، محمد علی (۱۳۹۰)؛ ***فرهنگ واژگان پژوهشی***، تهران: ایده سبز.

فی، برایان (۱۳۸۳)؛ ***پارادایم‌شناسی علوم انسانی***، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کیوی، ریمون، کامپنهود، لوک وان (۱۳۸۵)؛ ***روش تحقیق در علوم اجتماعی***، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: توتیا.

گر، تد رابرت (۱۳۷۷)؛ ***چرا انسان‌ها شورش می کنند***، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

گوردون، مارشال (۱۳۸۸)؛ ***فرهنگ جامعه‌شناسی***، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: میزان.

گولد، جولیوس، کولب، ویلیام (۱۳۷٦)؛ ***فرهنگ علوم اجتماعی***، تهران: مازیار.

معینی علمداری، جهانگیر (۱۳۸۵)؛ ***روش‌شناسی نظریه‌های جدید در سیاست: اثبات‌گرایی و فرااثبات‌گرایی***، تهران: دانشگاه تهران.

منوچهری، عباس (۱۳۸۷)؛ «طبیعت‌گرایی»، در عباس منوچهری و دیگران، ***رهیافت و روش در علوم سیاسی***، تهران: سمت، فصل دوم.

Archive of SID

www.SID.ir

میرمحمدی، مهدی (۱۳۸٦)؛ «کارکردهای سازمان اطلاعاتی در کشورداری»، ***فصلنامه مجلس و پژوهش***، سال ١٤، شماره ۵۷، صص.۱۵۳–۱۹۸.

میرمحمدی، مهدی (۱۳۸۹)؛ پویایی‌های روش‌شناختی در روابط بین‌الملل و مطالعات امنیتی، در حمیرا مشیرزاده و نبی‌الله ابراهیمی، ***تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل***، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص.۷۸–۱۲۰.

میرمحمدی، مهدی (۱۳۹۰ الف)؛ ***سازمان‌های اطلاعاتی و سیاست خارجی: مطالعه موردی نقش سازمان سیا در سیاست خارجی آمریکا***، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

میرمحمدی، مهدی(۱۳۹۰ ب)؛ «مطالعات اطلاعاتی: هستی‌شناسی مستقل، روش‌شناسی وابسته و نظریه‌پردازی ضعیف»، ***پژوهشنامه علوم سیاسی***، سال ششم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۰، صص. ۲۰۵–۲۳٤.

هوور، ریچاردز جی. (۱۳۸۰)؛ ***روانشناسی تحلیل اطلاعات***، ترجمه جواد علاقبند راد، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

French, David (1978); "Spy Fever in Britain 1900-1915", ***Historical Journal***, Vol. XXI, No.2, pp. 355-370.

Fry, Michael G., Hochstein, Miles (1993); "Epistemic Communities: Intelligence Studies and International Relations", ***Intelligence and National Security***, Vol. 8, No. 3, pp. 14-28.

Goodman, Michael S. (2006); Studying and Teaching about Intelligence: The Approach in the United Kingdom, ***Studies in Intelligence***, Vol. 50, No. 2. Accessed at: www.cia.gov/library/center-for-study-of-intelligence/csi-publications/csi-tudies/studies/vol50no2/html-files/studying-teaching-1.htm. On 21/4/2012.

Hitz, Fredrick P. (2008); ***Why Spy? Espionage in an age of Uncertainty***, NewYork: St. Martin's Press.

Judd, Stephen G. (1993); "The CIA and the University: A Problem of Power", ***International Journal of intelligence and Counterintelligence***, Vol. 6, No. 3, pp. 339-358.

Kent, Sherman (1966); ***Strategic Intelligence for American World Policy***, Princeton: Princeton University Press.

Lathrop, Charles E. (2004); ***The Literary Spy: The Ultimate Source for Quotations on Espionage And Intelligence***, NewHaven: Yale University Press.

Morgenrhau, Hans J (1970); ***Truth and Power: Essays of a Decade 1960-1970***, NewYork: Preager.

Polmar, Norman, Allen, Thomas B. (1997); ***The Encyclopedia of Espionage***, NewYork: Gramercy Books.

Random, R. A. (1993); "Intelligence as a Science", ***Studies in Intelligence***, Vol. 2, No. 2. Accessed at:
www.cia.gov/library/center-for-study-of-intelligence/kent-csi/vol2no2/html/v02i2a09p_0001.htm.

Rudner, Martin (2009); "Intelligence Studies in Higher Education: Capacity Building to Meet Societal Demand", ***International Journal of Intelligence and CounterIntelligence***, Vol. 22, No.1, pp.110-130.

Samuels, Richard, ed., (2006); ***Encyclopedia of United States National Security***, Thousand Oaks: Sage.

Shpiro, Shlomo (2001); "The Media Strategies of Intelligence Services", ***International Journal of Intelligence and CounterIntelligence***, Vol. 14, No. 4.

Archive of SID

www.SID.ir

Swenson, Russell G. (2003); "Intelligence education in the Americas", ***International Journal of Intelligence and CounterIntelligence***, Vol.16, No.1, pp.108-130.

Valk, Guillaume Gustav de (2005); ***Dutch Intelligence: Towards a Qualitative Framework for Analysis***, BJU: Rotterdam.

Waltz, Edward (2003); ***Knowledge management in the intelligence enterprise***, London: Artech House.

Wark, Wesley (1993); "The Study of Espionage: Past, Present, Future?", ***Intelligence and National Security***, Vol. 8, No. 3, pp.1-13.

Watson, Bruce, Watson, Susan, Hopple, Gerald, ed., (1990***); United States Intelligence: An Encyclopedia***, New York: Garland Publishing.

Archive of SID

www.SID.ir